

در سرای اهل قلم برگزار شد^(۱)

گردهمایی تخصصی در زمینه‌ی برنامه‌های درسی و ارتباط آن با کتاب‌های آموزشی

گزارش از: نصرا... دادار

اشاره

این گردهمایی که با هدف بررسی رابطه‌ی برنامه‌های درسی با کتاب‌های آموزشی در سرای اهل قلم برگزار شد، ابتدا آقای یحیی دهقانی، رییس هیئت مدیره‌ی «انجمن فرهنگی ناشران آموزشی»، ضمن عرض خیرمقدم به شرکت‌کنندگان گفت: «اگرچه کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی حضور دیرینه‌ای در کنار کتاب‌های درسی و رسمی کشور دارند، اما همواره با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده‌اند و دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی مفید یا غیرمفید بودن آن‌ها، و مؤثر و غیرمؤثر بودن و حتی مخرب بودن آن‌ها مطرح بوده است.»

وی افزود: «انجمن فرهنگی ناشران آموزشی همواره در تلاش بوده است تا راهکاری برای برون‌رفت از این چالش‌ها پیدا کند.»

رییس هیئت مدیره‌ی فرهنگی ناشران آموزشی با اشاره به این‌نکته که ضرورت انتشار کتاب‌های آموزشی و کمک درسی برای اکثر دست‌اندرکاران روشن است، گفت: «وجود واحد سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مویید این ادعاست که انتشار کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی ضرورت دارد. بحث اصلی درباره کتاب‌های آموزشی، این است که این کتاب‌ها چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند.»



آقای دهقانی در پایان گفت: «انجمن فرهنگی ناشران آموزشی، ضمن همکاری با دبیرخانه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، همواره تلاش کرده است چالش‌های پیش روی کتاب‌های آموزشی و کمک درسی را کاهش دهد.»

سخن‌رانی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر حسن ملکی، عضو هیئت علمی «دانشگاه علامه طباطبایی»، سخن‌ران بعدی این گردهمایی بود که گفت: «من در این نشست سعی می‌کنم به دو سؤال پاسخ دهم: یکی این که برنامه‌ی درسی چیست و دیگر این که برنامه‌ی درسی چه ارتباطی با کتاب‌های آموزشی دارد.»

وی افزود: «برنامه‌ی درسی وقتی فهمیده می‌شود که تأملی در ماهیت یادگیری داشته باشیم. به نظر من نمی‌توان برنامه‌ی درسی را فهمید، ولی ذهن خود را به یادگیری معطوف نکرد. زیرا رابطه‌ی تنگاتنگی بین برنامه‌ی درسی و یادگیری وجود دارد. برنامه‌ی درسی، طرح و نقشه‌ی یادگیری است.»

یادگیرنده برای یادگیری مؤثر، باید با چند موضوع رابطه‌ی مؤثر، معنادار، روشن و بدون ابهام برقرار کند.

موضوع اول، ظرفیت و توانایی ذهنی و روانی یادگیرنده، اعم از دانش‌آموز ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و یا هر مخاطب دیگر است. ظرفیت روانی و علائق یادگیرنده در یادگیری بسیار مؤثر است و رابطه‌ی شفاف و علمی تعریف‌شده‌ای بین آن‌ها وجود دارد.

موضوع دوم، رابطه‌ی بین یادگیری و زندگی اجتماعی است. یادگیری در خلأ انجام نمی‌گیرد. رابطه‌ی بین یادگیری و زندگی اجتماعی باید توسط جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان درسی به صورت دقیق و روشن تعریف شود.

موضوع سوم، بحث یادگیری و رشته‌ی علمی است. هر یادگیری، به هر صورت با یکی از رشته‌های علمی مانند شیمی، فیزیک و... ارتباط دارد. بنابراین باید با پیمانانه معین و مشخصی سراغ یادگیری برویم، زیرا در غیر این صورت، یادگیرنده‌ی ما در دریای علم غرق می‌شود.

موضوع بعد و آخرین موضوع، رابطه‌ی یادگیری با فلسفه‌ی تعلیم و تربیت است. در حال حاضر ما در این زمینه وضعیت مه‌آلود و غیرشفافی داریم.

باید رابطه‌ی یادگیری با این چهار موضوع روشن و مشخص شود و این کار به صورت فردی امکان‌پذیر نیست. ما باید از متخصصان همه‌ی رشته‌ها، مانند روان‌شناسی، فناوری آموزشی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و نیز معلمان و دبیران کمک بگیریم. نباید یک یا دو نفر برای یادگیری یک دوره تصمیم بگیرند. علمی که رابطه‌ی بین یادگیری و این چهار موضوع را طراحی و مهندسی می‌کند، علم برنامه‌ی درسی است.

روان‌شناسی یادگیری با خود یادگیری کار دارد و برنامه‌ی درسی با نقشه‌ی یادگیری تا در تربیت، راه گم نشود. اگر ما به نقشه‌ی یادگیری توجه نکنیم، راه را گم می‌کنیم. ممکن است در

این‌جا سؤال شود: آیا برنامه‌ی درسی مطابق کتاب درسی است؟ جواب منفی است. کتاب درسی فقط یکی از مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی است. کتاب درسی بخشی از مفاهیم و مهارت‌ها را در خود دارد، ولی برنامه‌ی درسی باید خیلی از مفاهیم و مهارت‌ها را در خود داشته باشد.»

رابطه‌ی بین برنامه‌ی درسی و کتاب آموزشی

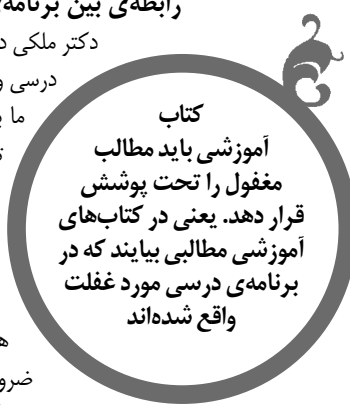
دکتر ملکی در ادامه‌ی سخنان خود، در پاسخ به این سؤال که چه رابطه‌ای بین برنامه‌ی درسی و کتاب آموزشی وجود دارد، گفت: «برای تهیه‌ی طرح و نقشه‌ی یادگیری، ما باید مطالعاتی انجام دهیم که محور اصلی آن‌ها، نیازسنجی است. اگر در تهیه‌ی برنامه‌ی درسی نیازسنجی نشود، آب در هاون کوبیده‌ایم. اما در این جا یک نکته‌ی قابل تأمل وجود دارد: برای تهیه‌ی برنامه‌ی درسی، هر اندازه هم دقت شود و کاملاً هم کار علمی صورت گرفته باشد، ممکن است نکاتی مورد غفلت قرار گیرند که در این صورت به یک برنامه‌ی درسی عقیم یا مغفول خواهیم رسید. نکات مورد غفلت ممکن است یا به هنگام مطالعه‌ی کارشناسان، مورد توجه واقع نشده باشند و یا این در اثر ضرورت‌هایی، زمان اجازه‌ی طرح آن‌ها را نداده باشد و لذا بیرون از برنامه‌ی درسی قرار گرفته باشند.»

بنده معتقدم کتاب آموزشی باید مطالب مغفول را تحت پوشش قرار دهد. یعنی در کتاب‌های آموزشی مطالبی بیابند که در برنامه‌ی درسی مورد غفلت واقع شده‌اند. ناشران کتاب‌های آموزشی و کمک درسی برای شناسایی برنامه‌ی درسی مغفول، باید ضمن بررسی پژوهش‌های انجام‌شده، با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر تألیف کتب درسی ارتباط تنگاتنگی برقرار کنند. کتاب‌های آموزشی مکمل برنامه‌ی درسی رسمی کشور هستند. یعنی مطالبی را آموزش می‌دهند که باید آموزش داده می‌شدند، ولی آموزش داده نشده‌اند. پس یکی از نقاط اتصال برنامه‌ی درسی و کتاب آموزشی در نقطه‌ای است به نام برنامه‌ی درسی مغفول.»

برنامه‌ی درسی و کوه یخ

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، با بیان این نکته که برنامه‌ی درسی مانند کوه یخ است که بخشی از آن پیدا و بخشی از آن ناپیدا و زیر آب است، گفت: «ناشران کتاب‌های آموزشی باید بخش ناپیدا و نامرئی برنامه‌ی درسی را پیدا، شفاف و روشن کنند. یادگیرنده یا به عبارت دیگر دانش‌آموز، در بخش نامرئی برنامه‌ی درسی با مشکل و سختی روبه‌روست و مفهوم مطالب را متوجه نمی‌شود و برایش گره و عقده ایجاد شده است.»

گره‌ها و عقده‌های برنامه‌ی درسی باید با کتاب‌های آموزشی مرتفع شوند. یعنی کتاب‌های آموزشی باید در آن بخشی که در اثر اهمال کارشناسی یا به دلیل مشکل بودن مطالب و یا محدود بودن جا، انقباض ایجاد شده است و مطلب به صورت فشرده در یک جمله آمده‌است، انبساط ایجاد کند. مطلب را بسط دهد تا یادگیرنده آن را به راحتی بفهمد و گره و عقده باز شود. در این صورت کتاب آموزشی صراحت‌بخش و تصریح‌کننده‌ی برنامه‌ی درسی است. پس به‌طور خلاصه، کتاب





آموزشی با برنامه‌ی درسی در دو جا به هم گره می‌خورند: یکی در برنامه‌ی درسی مغفول، و دیگری در برنامه‌ی درسی غامض که در آن‌جا مشکل و عقده ایجاد شده است و کتاب آموزشی باید آن را حل و مفهوم را به صورت روشن و شفاف ارائه کند.»

سخنان مدیرمسئول انتشارات همگامان

آقای **مهرداد عالی‌پور**، مدیرمسئول «انتشارات همگامان» و عضو هیئت مدیره‌ی انجمن فرهنگی ناشران آموزشی، سخن‌ران بعدی گردهمایی بود. وی سخنان خود را این‌گونه ارائه کرد: «اولین نیازی که در رابطه با کتاب‌های آموزشی احساس می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد، رفع نیاز ساختار ذهنی دانش‌آموز است. در برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی و محتوای برنامه‌ی درسی، دو موضوع باید مورد توجه قرار گیرند: یکی نگاه به ساختار ذهنی دانش‌آموز است. ساختار ذهنی دانش‌آموز، همان محتوا و مواد آموزشی مورد انتظار اوست. این ساختار را بر اساس این که می‌خواهد در کنکور شرکت کند، یا به مدرسه‌ی تیزهوشان برود و یا نمره‌ی قبولی بگیرد، می‌شناسیم. آن انتظاری که دانش‌آموز از برنامه‌ی درسی دارد، معروف به ساختار ذهنی است.

برنامه‌ی درسی تعریف دیگری هم ارائه می‌کند که «ساختار علمی» نام دارد. آن‌چه را که ما به‌عنوان محتوا یا مواد آموزشی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم تا آن نیاز ذهنی را که خودش فکر می‌کند دارد، رفع کند، ساختار علمی است. مطلوب‌ترین حالتی که پیشنهاد می‌شود این است که مواد و محتوایی که ارائه می‌شود مناسب و برابر با ساختار ذهنی دانش‌آموز باشد. نامطلوب‌ترین حالت این است که آن‌چه به‌عنوان ساختار علمی و مواد و محتوای آموزشی ارائه می‌کنیم، کم‌تر از ساختار ذهنی دانش‌آموز باشد. ایده‌آل‌ترین و آرمانی‌ترین حالت این است که مواد و محتوای آموزشی فراتر از نیاز و ساختار ذهنی دانش‌آموز باشد که احتمال بسیار کمی دارد، چنین حالتی رخ دهد. چون پویایی و رشد مغز انسان بیش‌تر از مواد و محتوای آموزشی است.

من در این‌جا می‌خواهم به موضوع از این منظر بپردازم که آیا آن‌چه دانش‌آموزان ما بر اساس واقعیت اجتماعی نیاز دارند، در محتوای علمی کتاب‌های درسی و برنامه‌ی درسی گنجانده شده و این نیاز رفع شده یا نشده است.

نکته‌ی دیگر این‌که ما در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، با طیف‌های مختلفی از دانش‌آموزان روبه‌رو هستیم که توقعات متفاوتی از برنامه‌ی درسی دارند. عده‌ای بعد از دوره‌ی ابتدایی می‌خواهند وارد مدرسه‌ی تیزهوشان شوند. گروهی می‌خواهند به مدرسه‌ی نمونه‌ی دولتی بروند. عده‌ای می‌خواهند در همان مدارس دولتی ادامه‌ی تحصیل دهند. هم‌چنین، گروهی بعد از دوره‌ی متوسطه قصد دارند که وارد دانشگاه‌های دولتی و در رشته‌های بالا، مانند پزشکی یا مهندسی شوند. عده‌ی دیگری می‌خواهند به دانشگاه آزاد و یا پیام نور وارد شوند. عده‌ای

اولین نیازی که در رابطه با کتاب‌های آموزشی احساس می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد، رفع نیاز ساختار ذهنی دانش‌آموز است

هم می‌خواهند بعد از دوره‌ی متوسطه وارد بازار کار و زندگی شوند. این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که ساختار ذهنی دانش‌آموزان با هم متفاوت است و نیازهای گوناگونی دارند. هیچ‌یک از این گروه‌ها را هم نمی‌توان رها کرد و باید برای همه‌ی آن‌ها برنامه داشته باشیم. سؤال ما این است که: آیا برنامه‌ی درسی که آموزش و پرورش ارائه می‌کند، می‌تواند همه‌ی این طیف‌ها را پوشش دهد؟ آیا همه‌ی این طیف‌ها باید از یک برنامه‌ی درسی تبعیت کنند؟ آیا یک برنامه‌ی درسی واحد، حتی برخوردار از اصول انعطاف‌پذیری و واقعیت‌گرایی، می‌تواند همه‌ی دانش‌آموزان را با ساختارهای ذهنی متفاوت پوشش دهد؟ به نظر من، ما نیاز ساختارهای ذهنی دانش‌آموزان را در برنامه‌ی درسی به صورت واقعی ندیده‌ایم و به همین دلیل، نیازهای دانش‌آموزان با یک برنامه‌ی درسی رفع نمی‌شود.

انواع برنامه‌های درسی

ما می‌توانیم به‌طور کلی دانش‌آموزان را به دو گروه تقسیم کنیم: یکی بچه‌هایی که برنامه‌های درسی نیازهای آن‌ها را برطرف می‌کنند، و دیگری بچه‌هایی که برنامه‌های درسی به هر دلیل نیازهایشان را برطرف نمی‌کنند و به آن‌ها بچه‌های فراموش‌شده می‌گویند. بر همین اساس، نظام‌های آموزش و پرورش برنامه‌های درسی را به سه گروه تقسیم کرده‌اند:

۱. برنامه‌ی درسی رسمی و دولتی کشور که برای بچه‌هایی است که برنامه‌ی درسی دولتی نیازهایشان را برطرف می‌کند.

۲. برنامه‌های سنتی و خانوادگی که نیازهای بچه‌هایی را تأمین می‌کنند که خیلی ضعیف‌تر هستند؛ مانند کودکان استثنایی که برنامه‌های درسی رسمی و دولتی نتوانسته‌اند نیازهایشان را برطرف کنند.

۳. برنامه‌ی درسی غنی‌سازی‌شده که نقطه‌ی ورود ناشران و کتاب‌های آموزشی است. این همان بخشی است که مورد غفلت واقع شده است و ما نمی‌توانیم آن را حذف کنیم. در این‌جا دانش‌آموز نیازی دارد که کتاب‌های درسی آن را برطرف نمی‌کنند.

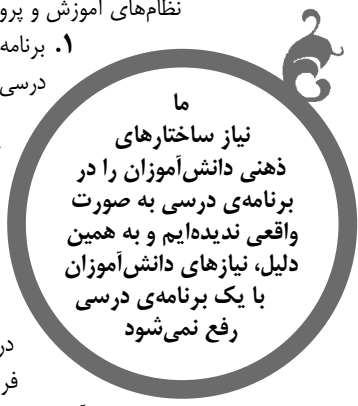
فرض کنید فرزند شما می‌خواهد در رشته‌ی پزشکی ادامه‌ی تحصیل دهد.

آیا او می‌تواند فقط با خواندن کتاب‌های درسی نیازهایش را برطرف کند؟ آیا بچه‌ها

به کتاب‌های دیگری نیاز ندارند؟ ما باید در این‌جا فکری برای بچه‌های فراموش‌شده بکنیم. در این‌جاست که ما باید سراغ برنامه‌های غنی‌شده برویم، اما چه کسی متولی این کار خواهد بود؟

به‌اعتقاد من، بر اساس واقعیت‌های موجود و ساختار ذهنی و انتظارات دانش‌آموزان و نیازهای آموزشی جامعه، یک برنامه‌ی درسی واحد نمی‌تواند همه‌ی نیازهای علمی متناسب با آن‌ها را تأمین کند. واقعیت این است که کتاب‌های آموزشی در کنار برنامه‌های درسی موجود کمک کرده‌اند تا پاسخی به نیازهای ذهنی فراگیرندگان داده شود. خواسته یا ناخواسته، این دوستی بین برنامه‌های درسی و کتاب‌های آموزشی رخ داده است که گاهی در جهت کمک به جوانان این مرز و بوم و برقراری عدالت آموزشی محسوب می‌شود.

شکی ندارم که کتاب‌های آموزشی موجود بدون عیب و ایراد نیستند، همان‌طور که به مدت



پنج سال در برخی کتاب‌های درسی، ایراد و اشکال وجود داشت. اما باید نقاط ضعف کتاب‌های آموزشی برطرف شوند و کیفیت محصولات آموزشی ارتقا یابد. نباید به‌خاطر برخی از ایرادات و اشکالاتی که در محصولات آموزشی وجود دارد، این کار تعطیل شود. همان‌طور که کتاب‌های درسی را نمی‌توان به‌خاطر برخی از ایرادها دور ریخت. به نظر من ما در مرحله‌ای از تولید کتاب‌های آموزشی هستیم که خلأ کیفی در حال اصلاح و رفع است. باید از طریق تهیه‌ی آیین‌نامه‌ها، به سمت آموزش دادن جامعه و کیفی‌سازی تولیدات آموزشی حرکت کنیم و از روش‌های سخت‌گیرانه و ممیزی کردن در نشر کتاب‌های آموزشی پرهیز شود.»



سخنران یکی از داوران جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی

آقای **علاء نوری**، دبیر کارشناس کتاب‌های آموزشی و داور جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی، چهارمین سخنران این گردهمایی بود که سخنان خود را با تعریفی از کتاب‌های آموزشی چنین شروع کرد: «تعاریف گوناگونی از کتاب‌های آموزشی ارائه شده‌اند که در کشور ما مورد توافق همه نیستند. من بر اساس تعریفی که کارشناسان در سندهایی تحت عنوان «مجموعه راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی» ارائه کرده‌اند، صحبت‌هایم را ادامه می‌دهم. در این سندها کتاب‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: **کتاب‌های درسی**،

کتاب‌های کمک درسی و کتاب‌های آموزشی. دسته‌ی اول، یعنی کتاب‌های درسی موضوع صحبت من نیستند. من در این‌جا به کتاب‌های آموزشی که با هدف توسعه‌ی یادگیری منتشر می‌شوند و در برنامه‌ی درسی هم به آن‌ها اشاره شده است، و کتاب‌های کمک درسی می‌پردازم. کتاب‌های کمک درسی خود به چهار گروه تقسیم می‌شوند: کتاب کار و فعالیت، کتاب تمرین، کتاب سنجش و ارزش‌یابی و کتاب فعالیت محور. کتاب‌های کار و فعالیت فعالیت‌محور، در بین کتاب‌های کمک درسی در حداقل هستند.

۲۰ درصد کتاب‌های آموزشی، کتاب‌های کمک درسی است

بررسی‌هایی که در چهارمین و پنجمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی به عمل آمده‌اند نشان می‌دهند: ۲۰ درصد کتاب‌های آموزشی را کتاب‌های کمک درسی تشکیل می‌دهند. در دوره‌ی زمانی موردنظر این بررسی‌ها، از ۶۴ جلد کتاب آموزشی که برای دوره‌ی راهنمایی منتشر شدند، ۱۳ جلد کمک درسی، از ۹۷ جلد کتاب آموزشی که برای دوره‌ی متوسطه منتشر می‌شوند، ۱۸ جلد کمک درسی و از ۵۳ جلد کتاب آموزشی که برای دوره‌ی ابتدایی منتشر شدند، ۹ جلد کمک درسی بوده است.»

آقای نوری در ادامه به برنامه‌های درسی اشاره کرد و گفت: «در برنامه‌های درسی ایران و اکثر کشورها، بین اهداف تعیین‌شده، اهداف اجرایشده و اهداف واقعی تفاوت آشکاری وجود دارد. ضعف بچه‌های ما تنها در زمینه‌ی کنکور و ورود به زندگی نیست. به نظر من یکی از ضعف‌های اساسی در برنامه‌های درسی است. متأسفانه در برنامه‌ی درسی اهدافی برای یادگیری در نظر گرفته

۲۸۹۱۹۱

پاییز ۱۳۸۸

۱۷

شده‌اند که در اجرا محقق نمی‌شوند و با اهداف واقعی تفاوت دارند.»

داور جشنواره کتاب‌های آموزشی در ادامه افزود: «آنچه که من در این جا می‌خواهم بیش‌تر به آن بپردازم، بحث کتاب‌های آموزشی است. برنامه‌ی درسی دارای اهداف گوناگونی مانند اهداف دانشی، نگرشی و مهارتی است. اهداف دانشی، اهداف علوم پایه هستند و دانش‌آموز در کتاب‌های درسی باید آن‌ها را یاد بگیرد. این اهداف را در کتاب‌های درسی بیش از قسمت‌های دیگری می‌توان دید و نمی‌شود گفت که این‌ها اهداف مغفول و مورد غفلت هستند. قسمت مغفول برنامه‌ی درسی این اهداف نیست. این‌ها در کار معمول



معلمان وجود دارند. نیاز اصلی دانش‌آموزان هم اهداف دانشی نیستند.

اهداف نگرشی و مهارتی، نیازهای اصلی دانش‌آموزان محسوب می‌شوند و باید مورد توجه جدی ما قرار گیرند. نیاز دانش‌آموزان بیش‌تر در زمینه این اهداف است. مهارت فکر کردن موضوعی است که امروز در کشورهای گوناگون جهان مورد توجه قرار دارد. در کشور ما هم انجمن‌هایی هستند که روی مهارت فکر کردن کار می‌کنند. مهارت‌های دیگر، مهارت حل مسئله و مهارت تصمیم‌گیری هستند.

سؤال اساسی این‌جاست که: آیا بچه‌های ما، حتی اگر بتوانند وارد دانشگاه شوند، در شرایط پیچیده‌ی امروز قادر خواهند بود با مسائل زندگی روبه‌رو شوند؟ آیا آن‌ها می‌توانند تصمیم‌گیرندگان خوبی باشند و با موفقیت به حل مسئله بپردازند؟ آیا آن‌ها می‌توانند در برابر حوادث و اتفاق‌های زمانه خوب نقادی کنند و تفکر نقاد داشته باشند؟ این‌ها همان مواردی هستند که تحت پوشش مهارت فکر کردن، حل مسئله و تصمیم‌گیری مطرح می‌شوند.

به نظر من می‌توان برای هر یک از این مهارت‌ها برنامه‌ی درسی نوشت. ولی بهترین راه حل آن است که این مهارت‌ها را از طریق کتاب‌های درسی، مانند ادبیات، فیزیک و... آموزش داد. ما نمی‌خواهیم باری بر دوش دانش‌آموزان، آن هم در شرایط سخت و پیچیده‌ی امروز جامعه اضافه کنیم. در درس ریاضی می‌توان مهارت‌های عملیات ذهنی، الگوبایی، شهود هندسی، عملیات حسابی و... و در درس علوم می‌توان مهارت‌های مشاهده، توصیف و... را به دانش‌آموزان یاد داد.

متأسفانه در
برنامه‌ی درسی اهدافی
برای یادگیری در نظر گرفته
شده‌اند که در اجرا محقق
نمی‌شوند و با اهداف واقعی
تفاوت دارند

۲۸۹۱۹۲

پاییز ۱۳۸۸

۱۸

به اعتقاد من، از جمله مواردی که در برنامه‌های درسی اجرایی مغفول واقع شده‌اند، همین مهارت‌ها هستند. البته این مهارت‌ها در اسناد برنامه‌های درسی آمده‌اند، ولی نه کتاب‌های درسی می‌توانند به طور جدی به آن‌ها بپردازند و نه معلمان فرصت و توان این کار را دارند. در حالی که یک کتاب خوب می‌تواند به آن‌ها بپردازد. من اخیراً کتابی را دیدم که برای ریاضی سوم دبستان تألیف شده بود و در تمرین‌های آن، دو صفحه‌ی مثل هم دیده نمی‌شد، هر صفحه بازی جدیدی برای آموزش ریاضی ارائه می‌کرد.

به نظر من می‌توان با این روش‌ها، بخش‌های مغفول برنامه‌ی درسی و کتاب‌های درسی را پوشش داد. می‌توان روی این کارها بیش‌تر سرمایه‌گذاری کرد.

این کارها، انگیزه‌های دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. با این روش‌ها می‌توان شکاف آموزشی را کم‌رنگ کرد. نشر الکترونیکی یکی دیگر از مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد و به نشر ما رویکرد جدیدی ارائه می‌کند. در حال حاضر در اکثر مدارس کشور رایانه وجود دارد و توجه به نشر الکترونیکی امکان‌پذیر است.»



سخنان مدیرمسئول انتشارات گاما

آخرین سخن‌ران این گردهمایی آقای **علی‌رضا فراتی**، مدیرمسئول «انتشارات گاما» بود. وی گفت: «هدف اصلی انتشار کتاب‌های آموزشی، پرورش خلاقیت، بالا بردن توان و قدرت کشف دانش‌آموزان، تشریح گسترده‌ی مطالب درسی و وسعت‌بخشی به آموخته‌های دانش‌آموزان متناسب با اهداف برنامه‌های درسی است.»

آقای فراتی افزود: «از یک دیدگاه می‌توان انواع کتاب‌های آموزشی را به هفت گروه تقسیم کرد: کتاب‌های دانش‌افزایی دانش‌آموز، کتاب‌های کار و تمرین، کتاب‌های مبحثی، کتاب‌های فعالیت محور و جنبی و سرگرمی، کتاب‌های فناوری، و کتاب‌های دانش‌افزای معلم.»

مدیر انتشارات گاما در ادامه با بیان این نکته که ناشران کتاب‌های آموزشی توانسته‌اند گستره‌ی مناسبی از این نوع کتاب‌ها را منتشر کنند، اضافه کرد: «نشر کتاب‌های آموزشی از چند منظر ضروری است:

۱. نگاه جهانی به منابع آموزشی که راه حل جمعی برای فراهم‌سازی آموزش همگانی است.
۲. توجه به شعار عدالت آموزشی.
۳. تقویت فرایند یاددهی - یادگیری.

۴. برقراری نظام چندتألیفی و توجه به نیازسنجی آموزشی.

۵. کمک به ارزش‌یابی مستمر و خودارزیابی.

۶. جاری‌ساختن نگاه طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی در این کتاب‌ها.

آقای فراتی در پایان پرسید: «چرا نظام چندتألیفی در کشور ما هنوز اجرا نشده است؟ چرا نظام آموزش و پرورش ما هنوز نگاهی دقیق به واقعیت‌های جامعه ندارد؟ چرا نظام آموزش و پرورش ایران براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، تولید ۱۵۰ میلیون جلد کتاب درسی را به بخش خصوصی واگذار نمی‌کند؟ چرا آموزش و پرورش ما هنوز به این نتیجه نرسیده است که می‌تواند از بخش خصوصی کمک بگیرد؟ برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی آموزش و پرورش چه قدر توانسته‌اند به اهداف خود دست یابند؟»



۲۸۹۱۹۲

پاییز ۱۳۸۸

۲۰

◀ زیرنویس

۱. گردهمایی تخصصی «برنامه‌های درسی و ارتباط آن با کتاب‌های آموزشی» پنجشنبه ۲۸ آبان‌ماه و به مناسبت

هفته‌ی کتاب با حضور استادان، مؤلفان و فرهیختگان در سرای اهل قلم برگزار شد.